

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۰ اگست ۲۰۲۳



یونس نگاه

## ثبات با تبعیض و سرکوب به دست نمی آید

چندین دهه جنگ و بی‌ثباتی، قربانی بسیاری از مردم افغانستان گرفت و فرصت‌های زیادی از دست رفت. چند نسل از مردم ما در عصری که بیشتر مناطق جهان شاهد شکوفائی، آرامش و رفاه کم‌سابقه بود، در آشوب و جنگ به‌سر بردند. در آغاز این دوره بی‌ثباتی هیجان‌های سیاسی و رویاهای مذهبی بسیار درکار بود و گروه‌های سیاسی جوامع آرمانی را وعده می‌دادند که در آن ثبات و امنیت همراه عدالت و ترقی بود. بی‌عدالتی، تبعیض و ناراضی‌ها از انحصار قدرت، در شکل‌گیری عوامل داخلی بی‌ثباتی نقش داشت. نیروهای چپ با امید و وعده ایجاد جامعه سوسیالیستی و گروه‌های جهادی به وعده عدالت اسلامی، علیه نظامی قیام کردند که در مسیر اصلاحات به کندی قدم برمی‌داشت و در شریک کردن قدرت و منابع با مدعیان تازه‌ای که از دانشگاه‌ها، مدارس و بازارهای روبه‌رشد سر برآورده بودند، اکراه داشت. معترضان آن سال‌ها حاضر نبودند اصلاحات تدریجی را تحمل کنند. آنان تغییرات عاجل و انقلابی می‌خواستند. اکنون بخش قابل توجه مردم با دیدن عکس‌ها، شنیدن خاطرات و خواندن نوشته‌های دوران پیش از جنگ، حسرت آن زمان را می‌خورند و آرزو می‌کنند که کاش جنگ نمی‌شد، ثبات ادامه می‌یافت، اقتصاد رشد می‌کرد و آزادی‌ها فراگیر می‌شد. برای نسل امروز که ناکامی تلاش بیست‌ساله جمهوری اسلامی برای ازسرگیری ثبات همراه توسعه و آزادی را در خاطره دارد و در عین حال شاهد خشن‌ترین تروریسم بوده، دستیابی به ثبات و امنیت مهم‌ترین آرزو شده است. فروپاشی دولت به دامن طالبان و سکوت جامعه در برابر این تسلیم‌دهی، نیز ناشی از ترجیح ثبات و امنیت بود. حامیان خارجی طالبان نیز در این دو سال، آن را تنها نیروئی تبلیغ کرده‌اند که قادر است ثبات و آرامش را به قیمت سرکوب مخالفان و حذف آزادی‌ها تحمیل کند. اما افغانستان در این چهل سال تاریخ پرآشوبش با «ثبات‌های» تحمیلی گذرا بیگانه نبوده است. چندین بار کشور به کام این یا آن گروه تمامیت‌خواه افتاده و مدتی سکوت گورستانی بر مملکت مستولی گشته است.

در پنج سال دوره اول امارت طالبان بر اکثر مناطق کشور بسیار بیشتر از وضعیت کنونی، سکوت و امنیت استبدادی حاکم بود. اما به تکرار تجربه شد که امنیت استبدادی و سرکوب ثبات نمی‌آورد، بلکه جامعه را مستعد آشوب‌ها و ناآرامی‌های ویرانگر می‌کند. گروهی که در برابر نشانه‌های ترقی بایستند، با آموزش عصری دشمنی کند و مراکز تحصیلی را به مدارس تروریست‌پرور بدل نماید، کشور را به سوی آرامش نه، بلکه به مسیری می‌برد که پر از پرتگاه‌های وحشتناک است. کشورهای منطقه، شرکت‌ها و سرمایه‌گذارانی که مثل امارت اول طالبان غرق رؤیاهای شیرین قراردادهای انحصاری و غارت منابع افغانستان هستند، عوامل اجتماعی و مردمی ثبات را جدی نمی‌گیرند. آنان متوجه نیستند سرزمینی که دبیوی گروه‌های تروریستی شده، محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری نیست و آرامش ظاهری‌اش فریبنده و بسیار آسیب‌پذیر است؛ مردمی که با بی‌خانمانی میلیونی، گرسنگی عمومی و بیکاری کشنده تحقیر می‌شوند آرام نخواهند گرفت و در جامعه‌ای که در آن مکتب بسته می‌شود، آدم‌های تحصیل‌کرده و صاحب مهارت خوار می‌شوند و هزاران مدرسه جهادی مشغول بدآموزی کودکانند، تطبیق پروژه‌های بزرگ اقتصادی ممکن نیست. علاقه‌مندی مردم افغانستان به ثبات و امنیت آشکار است، اما عطش‌شان به زندگی آبرومندی را که در آن حقوق انسانی خود را مصون ببینند، نیز نمی‌توان نادیده گرفت. اگر حوادث چندین دهه اخیر ثابت کرده است که جنگ راه حل نیست، این را نیز به ما آموخته است که بی‌عدالتی، تبعیض و سرکوب برای مدت طولانی تحمل نمی‌شود و آشوب‌ها، قیام‌ها و جنگ‌های خون‌بار را در پی می‌آورد.